

«به عشق مهدی»

ماه را گو منکسف شو چون نگارم می‌رسد
حالی‌ا چون دلبر سیمین عذارم می‌رسد
شاهد یکتا و رمز افتخارم می‌رسد
آنکه کام دل ز وصل او پرآرم می‌رسد
مظهر لطف و عطا خوش در کنارم می‌رسد
سرور من رهبر والا تبارم می‌رسد
نازنین دلداری قلب داغدارم می‌رسد
آنکه عمری در غم او اشکبارم می‌رسد

شمس را گو منکسف گردد چو یارم می‌رسد
ای صبا پر یوسف مصری بگو بر خود مناز
این بشارت را رسان بر محفل صاحب‌دلان
غنچه باغ محبت بلبل گلزار عشق
گوهر بحر جلالت مشعل بنم وفا
نور باران عرصه گیتی شد از مه طلعتی
طول شبهای جدایی پر سر آمد چون ز راه
شائق این مژده را بر عاشقان ابلاغ کن

بعثت

ایام شادکامی این امت آمدی
روشن پسی ز بعثت پاک محفدی

از لطف لایزال و عنایات سرمدی
زیرا که گشته دیده بینای مسلمین

سه میلاد

اندر مه شعبان و سه روز میلاد
در پنجم آن امام چارم سجاد

قلب همه شیعیان حیدر شد شاد
در سوم و چهارمش حسین و عباس

«شائق»

«مرداب ندانم کاری»

باعث رنجش مردم نشویم
توی بن بست بدی گم نشویم
می‌شود کوچه باریکی ساخت
روزی در دل تاریکی ساخت
تا اتوبان قشنگی‌ها رفت
تا به همسایگی دریا رفت
یحیی علوی فرد

ای جوانان همه آید که تا
توی مرداب ندانم کاری
تا فراسوی محال بن بست
می‌شود بهر تماشای بهار
باید از کوچه باریک گذشت
باید از ظلمت و این تاریکی